

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که املا را تقویت می‌کند پیدا کردن کلمات از جدول حروف و نشانه‌هاست.

الف: تمامی کلماتی را که می‌توانی به صورت  $\leftarrow$ ،  $\downarrow$  و  $\swarrow$  از جدول پیدا کنی را بنویس. (به جاهای خالی دقت کن.)

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| غ | ت | ب | ا | ی | س | ا | ر | ف | ا |
| ر | ح |   | ه | ا | پ | س |   |   | ط |
| ا | ق | ن | و | ح | ی | ج | ت |   | و |
| ن | ی |   | ز |   | ی | و |   |   | ل |
|   | ر |   | م |   | غ |   | ا |   | ا |
|   |   | ز | ن |   | ه | ر | ص |   | ن |
|   | م |   | ت |   |   | ش |   |   | ی |
| ه |   |   | ظ |   | ی | م | ر | خ | ع |
|   |   |   | ر | د |   | ر | ه | ا | ی |
|   |   |   | ل | و | ب | ی | و | ر | ب |
|   | ی | د |   |   |   |   |   |   | ن |

مرز را پرواز تیری می‌دهد. پیدا کن

✕ رستم بارها ..... را شکست داد. ؟

مخالف خاور، ..... است. باختر (غرب)

هم خانواده ماهر ..... است. مهارت

شعر زیبای باران را ..... سروده است. گلچین گیلانی

مخالف کلمه سختی ..... است. آسانی

کار صدها ..... تیغ‌های شمشیر کرد آرش.

مردم از پیر و جوان به سمت ..... حرکت کردند.

آرش بی جان بر ..... افتاده بود.

سپاه توران به فرماندهی افراسیاب از رود ..... گذشته بود.

این خبر را هر دهانی، زیرگوشی، بازگویی کرد: آخرین فرمان آخرین ..... .

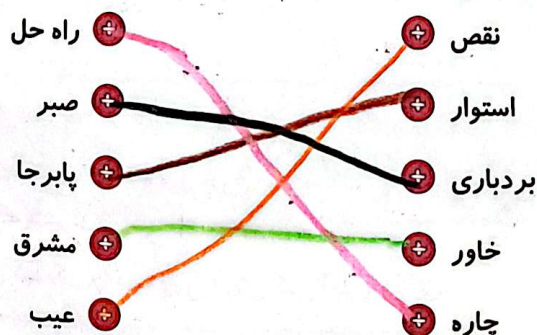
روزگار به سختی می‌گذشت و چاره‌ای جز ..... نبود.

آرش کمانگیر، ..... ماهر ایرانی، خود را برای پرتاب این تیز آماده کرد.

ب: تعداد کلماتی را که پیدا کردی و نوشتی با دوستان خود مقایسه کن.

## تمرین

کلمات هم معنی را به هم وصل کن.





۲ درست و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: شعر باران از دگچین گیلانی، است. ✓

ب: خاور، به معنی غرب است. ✗

پ: تیر، در کنار رود جیحون بر ساقه‌ی درخت اناری که بسیار تناور بود، افتاد. ✗

ت: (ای توانایی که به ما توانایی بخشیدی) از یک جمله تشکیل شده است. ✗

۳ کلمات زیر را کامل کن.

|         |          |          |          |
|---------|----------|----------|----------|
| طولانی  | ایرانیان | قامتی    | تیرباران |
| کمانگیر | منتظر    | تیرانداز | برابری   |

حالا با انتخاب دو کلمه به دلخواه، یک جمله‌ی زیبا بنویس.

آرش کمانگیر، تیراندازها را به سر می‌برد.

۴ کلمه‌ها را به‌طور مناسب دوبه‌دو کنار هم قرار بده و واژه‌های جدید بساز.

گوشی - جنگ - خسته - تیر - جوان - بلندی - کمان - کله‌ده - زیر - سر

|         |          |             |
|---------|----------|-------------|
| زیرتوشی | بند جوان | فلسفه‌کننده |
| تیرکمان | بلندی    |             |



۵ کلمات هم‌خانواده را مثل هم رنگ کن.

|       |      |       |        |      |      |      |       |
|-------|------|-------|--------|------|------|------|-------|
| مهارت | صبر  | تحقیر | منظور  | مخله | صابر | خسته | تصمیم |
| طول   | مهره | حقارت | طولانی | ماهر | عمل  | علی  | حقیر  |
|       |      |       |        |      | صبور |      |       |





۶ مخالف کلمه‌های زیر را بنویس.

|              |                |              |
|--------------|----------------|--------------|
| خاور = بافت  | پیروزی = شکست  | قهر = آشتی   |
| دشوار = آسان | اندوهگین = شاد | نهان = آشکار |

۷ بازی با نقطه، را، با دوستان انجام بده. (با جابه‌جا کردن، کم یا اضافه کردن نقطه‌ها، کلمه‌های جدید بنویس.)

|     |   |     |
|-----|---|-----|
| رنگ | ← | نگ  |
| نیز | ← | نیر |
| تنگ | ← | تنگ |
| سبز | ← | سبز |

سر

۹ از ترکیب کردن حرف‌هایی که از قوری بیرون می‌آید، ۴ کلمه‌ی معنی‌دار بساز و بنویس.



فنا

صد

صدای

باد

ادب



۱۰ با توجه به علائم نگارشی داده شده، از متن درس یک جمله متناسب با هر علامت بنویس.

.....

.....؟

.....!

۱۱ در این درس، با آرش، پهلوان ایرانی آشنا شدیم؛ نام چند پهلوان دیگر ایران را بنویس.

|       |      |       |      |
|-------|------|-------|------|
| سیاوش | تمنی | سهراب | رستم |
|-------|------|-------|------|





خاطره‌ی زیر را با دقت بخوان و به قسمت‌هایی که با رنگ صورتی مشخص شده است، توجه کن.

می‌خواهم خاطره‌ای از روزهای تعطیلات تابستان برایت تعریف کنم. مدرسه‌ها تعطیل شده بود، من به همراه خانواده برای گذراندن تعطیلات به باغ زیبای پدرم رفتم. من عاشق این باغ بودم و دوست داشتم از صبح تا شب در این باغ بچرخم. از درختان سیب و آلبالو بالا می‌رفتم و میوه می‌چیدم. یک روز بعد از نهار همگی به رودخانه‌ای که در نزدیکی باغ بود رفتیم. من که از آب‌بازی خوشم می‌آمد؛ با سرعت خود را درون رودخانه انداختم اما چون جریان آب زیاد بود ناگهان متوجه شدم آب من را با خود می‌برد. اما شانس با من بود چون پدرم که در آن نزدیکی بود خود را به من رساند و من را از آب بیرون کشید. در آن روز من توانستم به کمک پدرم جان سالم به در ببرم و یاد گرفتم قبل از انجام هر کاری فکر کنم.

الف: از متن بالا سه جمله انتخاب کن و جدول را کامل کن.

| جمله                                                         | پیام جمله                             |
|--------------------------------------------------------------|---------------------------------------|
| می‌خواهم خاطره‌ای از روزهای تعطیلات تابستان برایت تعریف کنم. | خاطره‌ای از تعطیلات تابستان.          |
| مدرسه‌ها تعطیل شده بود.                                      | تابستان است و مدرسه‌ها تعطیل شده است. |
| من که از آب بازی خوشم می‌آمد.                                | دوست داشتم آب‌بازی.                   |

ب: حالا دو جمله که با نشانه‌ی ربط «و» به هم وصل شده‌اند را بنویس.

- ۱) مدرسه‌ها تعطیل شده بود و من به همراه خانواده برای گذراندن تعطیلات به باغ زیبای پدرم رفتم.
- ۲) از درختان سیب و آلبالو بالا می‌رفتم و میوه می‌چیدم.

۱۳

با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کدام گزینه یک جمله‌ی کامل نیست؟

- ۱) می‌دویدم همچو آهو
- ۲) باز باران با ترانه
- ۳) دور می‌گشتم ز خانه
- ۴) می‌خورد بر بام خانه

ب: کدام یک از کلمات زیر از دو بخش تشکیل شده‌اند؟ (غیر ساده هستند).

- ۱) تحقیر
- ۲) نزدیک
- ۳) دشوار
- ۴) گلگون

گل + گون = گلگون

پ: کلمه‌های جا افتاده در شعر زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«گردش یک روز دیرین / خوب و شیرین / توی جنگل‌های بلبلان / دور می‌گشتم ز خانه / می‌شنیدم از پرنده / برق چون شمشیر / لب‌ان پاره می‌کرد ابروها را»

- ۱) ایران، آنجا، غزان، ابرها
- ۲) گیلان، خانه، بزّان، بادها
- ۳) گیلان، خانه، بزّان، لبرها
- ۴) شمال، خانه، بزّان، ابرها

شمال، خانه، بزّان، ابرها

آتش کم‌انگیرو درس ششم



## خوانش و پردازش



متن زیر را بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده.

۱۴

روزی پادشاهی خواست به فرزندان خود پندی بدهد. فرزندان را به نزد خود فرا خواند و چوبه‌ی تیری از تیردان بیرون آورد و به آن‌ها داد و گفت: «بشکنید». آن‌ها با نیروی کمی شکستند. بار دیگر دو عدد داد. باز به آسانی شکستند.

بدین ترتیب بر تعداد چوب‌ها افزود تا به این که تعداد آن‌ها بیش از ده چوب رسید. آن موقع فرزندان از شکستن چوب‌ها عاجز شدند.

پادشاه رو به فرزندان کرد و گفت: «ای فرزندان! حال شما در زندگی هم این گونه است. تا هنگامی که یاور و پشتیبان هم باشید دشمن نمی‌تواند بر شما چیره شود و سالیان دراز می‌توانید پیروز و قدرتمند بمانید.»

«جامع‌التواریخ - خواجه رشیدالدین فضل‌الله»

الف: عنوان مناسبی برای داستان انتخاب کن.

اتحاد و همدلی

ب: پادشاه چه درسی به فرزندان خود داد؟

(۴) رفاقت

(۷) اتحاد و همدلی

(۲) دین‌داری

(۱) صداقت

پ: چرا پادشاه فرزندان را نزد خود فراخواند؟

... می‌خواست به فرزندان پند بدهد.

ت: فرزندان از شکستن چوب‌ها چه موقع ناتوان شدند؟

... وقتی بر تعداد چوب‌ها افزود تا به این که تعداد آن‌ها بیش از ده چوب رسید.

ث: به نظر شما چرا پادشاه چوب‌ها را مرحله به مرحله زیاد کرد؟

... که فرزندان بتوانند اتحاد را بفهمند و یاور و پشتیبان هم باشند.